

محتاج باین ماده در اینجا نیستم و بنده اینرا زائد میدانم .

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - ممکن است ۲۵ سال داشته باشد و مجنون باشد و در تحت قبم و میت شرعی باشند .

میرزا ابراهیم خان - اگر سفیه مراد است - ممکن است ۳۰ سال هم داشته باشد و سفیه باشد .

حاج شیخ اسدالله - اینکه آقای مخبر فرمودند فقره سن و سرت شامل اشخاص میشود که خارج از دین شده باشد بنده تصدیق نمیکنم برای آنکه خودش مثل میزند بهمین مسئله که میگوید از قبیل سرت از قبیل جنایت و غیر هما و بنده آن فقره و فقره چهارم را که می نویسند در خود رایورت وزیر خیلی لازم میدانم که اشخاصی که خروجشان از دین حنیف اسلام در حضور یکی از حکام شرع ثابت شده باشد یک چنین کسی که دست از دین خودش بر داشته باشد نوشته او را در موقع اجرا بگذاریم آنهم در ثبت اسناد این خیلی اهمیت دارد و برای اینکه تاسیس این اداره از برای اینست که هر نوشته را که بآن میدهم و او ثبت کرد در موقعیکه در محکمه محتاج شویم آن مباشر ثبت اسناد صورت آنرا مینویسد و محکمه میفرستد آنرا سند میکند و آن محکمه هیچ نباید در آن سند تردید بکند بعد از آنکه ماتنقید شخص را در آن مداخله دادیم دیگر هیچ نمیتوانیم اینرا برداریم .

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - خیلی عجیب است بعد از اینکه شرط شد در آن ماده مذهب اسلام اینجا لازم نیست که این قید شود .

رئیس - مذاکره بقدر کافی شده است حالا رأی میگیریم بماده ۶ کسانی که باین ماده بطریقیکه خوانده شده موافقت نمایند (با اکثریت تصویب شد) .

پیشنهاد وزیر ماده ۷ - اشخاصیکه در ادارات دولتی یا انجمنهای ولایتی و بلدییه و غیره مشغول خدمت هستند نمیتوانند مباشرین ثبت معین شوند مگر آنکه از شغل خود استعفا نمایند (پیشنهاد کمیسیون) ماده ۷ مباشرین ثبت نمیتوانند با شغل خود شغالی را در ادارات دولتی یا انجمنهای لمدیه و ایالتی و ولایتی و غیره توأم نمایند و با شغل وکالت را در محاکم عدلیه متصدی شوند .

حاج سید ابراهیم - در انجمنهای ایالتی و ولایتی که آنان حقوق برای آنها معین نشده است و فقط برای شرف و خدمت بملت خود آنرا قبول کرده اند و در اینصورت جهت چیست که آنها را اینخدمت محروم باشند خوب است آنرا آقای مخبر توضیح بدهند اگر غرضشان موظف بودن در و اداره است که اینها وظیفه ندارند اگر مقصودشان اینست که ایندو شغل باهم منافی است ابدأ منافی نیست بجهت اینکه بهمان حسن ظنیکه بآن برای وکالت انتخاب شده اند بآن حسن ظن برای ثبت اسناد معین شوند که بهتر حسن اثر دارد .

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - مباشر ثبت اسناد باید از صبح تا غروب در محل حاضر باشد ولو کاری هم موجود نداشته باشد بجهت اینکه ممکن است یکمرتبه یکسندی بیآورند که ثبت شود و او نباشد و اگر بخواند در اداره دیگری هم مستخدم باشد موظفاً یا غیر موظف مانع از حضور تمام روز او در محل خودش خواهد بود .

ارباب کیخسرو - بنده می بینم اینجا تمام شرایط در تحت این ماده ذکر شده است مگر وکالت مجلس و بدبختانه می بینم این مسئله قید نشده است و کلا در ادارات خدمت نکنند اسباب این شده است که می بینم بعضی از وکلا در بعضی از ادارات مشغول خدمت می شوند و اسباب اطاله لسان میشود و هر وقت هم که از آنها می پرسیدند که چرا در اداره دیگر مشغول خدمت هستید جواب میگفتند که ما موظفاً خدمت نمی کنیم بعقیده بنده کلامه وکالت مجلس هم لازم است قید شود .

حاج شیخ الرئیس - بنده باز بهمان نظر که عرض کردم ناچارم عرض خودم را بکنم ولو اینکه در نظر اکثریتی که خودم تصدیق کرده ام قابل توجه نشود و از عقیده خودم صرف نظر کنم در اینجامی نویسد و کیل عدلیه نباید بیاید مباشر ثبت اسناد واقف شود هم انطوری که آقای مخبر محترم اخطار و اظهار کردند معلوم است وظیفه مباشر ثبت اسناد آنست که از طلوع آفتاب تا غروب آفتاب باید حاضر باشد و این قهرأ منافی با مشاغل او است ولی اگر این نظر را دارند و این را علت برای تعیین این قانون می دانند بنده تأمل می کنم بجهت این که ممکن است شخصی وکالت بکند در عدلیه یا اینکه مباشر ثبت هم باشد باین طور که مثلاً در روزهای تعطیلش بکارهای وکالتش بپردازد بعلاوه ممکن است بعد از فراغت از اداره ثبت اسناد مباشر ثبت برود و انجام این وظیفه را بکند این سخت گیری ما نمی دانیم برای آنچه جهت است که او مثلاً برود یک خدمتی بخودش بنوعی بکند و در ضمن یک تحصیلی برای امور معاش هم کرده باشد و البته در نظر مبارکشان است که در کیفیت اخیر در شرع انور مقرر است بلکه در تمام شرایط هست که اگر اجیر بیک شغلی مشغول شد که مزاحم با آن کاریکه با آن اجیر شده است نبود میتواند بنماید در حین اینکه مشغول بکار ثبت اسناد هستیم اگر یک کسی آمد و گفت یک اجرای صیغه عقدی برای من بکن و یک انکحت و زوجت بگو بعد هم ده تومان بعنوان تعارف یا حق الزحمه بمن داد این را هیچ منافی با ثبت نمی دانم و این اندازه سخت گیری را صحیح نمیدانم

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - علت این نه عدم اجتماع است علتش اینست که کسی که مباشر ثبت اسناد است و از اسناد مردم اطلاع دارد وکالت بکند این هیچ صحیح نیست و بنده عقیده ندارم .

حاج شیخ الرئیس - جوابی که آقای مخبر محترم دادند بنده را اکتناع نکرد و بیش از این هم عرضی ندارم اگر مباشر ثبت اسناد بهمین شرایطی که نوشته اند عمل کنند و انتخاب نمایند بنده به آنها سوء ظن ندارم که اطلاع بر اسناد را آلت اجرای امانت مقاصد خود کنند .

آقا محمد بروجرودی - رافع سوء ظن فضل و امتیاز نیست بعلاوه یرهم با تقصیر نیستم اگر سوء ظن داشته باشم بجهت اینکه خیلی چیزها دیده ام ممکن است کسیکه وکالت میکند و مباشر ثبت هم هست آنطرفش راهم درست بکند چه مانعی دارد که اینطرف را خودش درست بکند و جملتان را

تلفیق بکند و نتیجه بگیرد باید بعقیده بنده این دوشی در یک نفر جمع نشود .

رئیس - مذاکره بعقیده بنده بقدر کفایت شده است - حالا رأی میگیریم کسانی که باین ماده بطریقی که خوانده شده موافقت دارند قیام نمایند (با اکثریت تصویب شد) .

رئیس - روز شنبه چون والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه برای قسم خوردن بمجلس تشریف خواهند آورد دستوری برای روز شنبه معین نیست و این دستوریکه عرض میکنم برای روز سه شنبه است - شور در بقیه قانون ثبت اسناد رایورت کمیسیون بودجه و کمیسیون معارف راجع باعزام محصلین انتخاب کسر کمیسیون داخله و غیره .

افتخار الواعظین - رایورت کمیسیون داخله در باب قانون منع احتکار جزء دستور شده است بعقیده بنده اگر جزء دستور گذاشته شود و بگذرد خیلی اسباب فراوانی ارزاق خواهد شد .

[رئیس حرکت کرد بمجلس مغرب ختم شد] .

جلسه ۲۱۹

صورت مذاکرات روز شنبه دوم مهر ربیع الاول ۱۳۲۵

مجلس دو ساعت قبل از غروب آفتاب بورود حضرت اقدس آقای نایب السلطنه دامت عظمه منعقد شد والا حضرت اقدس در مرکز لژ هیئت رئیسه جلوس فرمودند در حالتی که آقای ممتاز الدوله رئیس مجلس عقب سر والا حضرت واقف شده و طرف راست آقایان آقا میرزا سید محمد مجتهد طباطبائی و آقا سید علی آقای یزدی و آقای علم الهدی و آقا سید کمال الدین و آقا شیخ اسمعیل رشتی و آقا سید احمد بهبهانی و آقا شیخ عبدالحسین کنی بترتیب مزبور واقع شده بودند و طرف چپ آقایان صدرالعلماء و حاجی میرزا سید محمد امام جمعه و ظهیرالاسلام و آیه الله زاده طهرانی و آقا سید محسن و آقا سید محمد و آقا سید موسی خلفان مرحوم آقا سید ریحان الله واقع شده بودند .

و طرفین جنوب و شمال لژ میز و صندلی نائبان و منشیان مجلس واقف شده بود .

در این موقع والا حضرت اقدس بیانات ذیل را ایراد فرمودند .

مخصوصاً درخواست کرده ام که تشریفات در این موقع نباشد برای اینکه بتوانم بعضی مطالب را که لازم میدانم در این جا بیان کنم . حالا در مجلس شورای ملی بنا حضور نمایندگان محترم خطاب خود را در حقیقت به تمام هم وطنان خود می کنم .

اولاً از حسن ظن و اعتماد و محبت خالصانه که از نمایندگان ملت و تمام طبقات دارالخلافه و ولایات بوسائل مختلفه بمن اظهار شده از صمیم قلب تشکر کرده سعادت و شوکت ملت را از خداوند خواسته و برای خود در هر حال توفیق خدمت مسئلت مهنمایم ثانیاً چون امروز مملکت ما در تحت حکومت مشروطه یعنی حکومت ملی است لازم است که تمام ملت از مهمات امور مطلع باشند میخواهم مسائل راجعه به نیابت سلطنت را توضیح کنم و برای آنکه

سابقه بدی در مملکت باقی نماند لازم میدانم آنچه را که در کیفیت انتخاب این جانب مخالف اصول عادات معموله ممالک مشروطه جاری شده با اطلاع عموم برسانم اولاً بدیهی است که در این امر نظر بمقتضیات حال و صلاح مملکت قبل از وقت مذاکراتی لازم بود و از قرار معلوم این مذاکرات بعمل نیامده و عجله شده است.

ثانیاً از آن شخص که برای این مقام در نظر گرفته میشود باید قبل از انتخاب استعلام شود (آیا میتواند تقبل نماید و در چه صورتی برای او تقبل این وظیفه امکان پذیر است.

چنانکه بر همه نمایندگان محترم معلوم است در افتتاح مجلس ثانی تمام نمایندگان بالاتفاق نیابت سلطنت را بمن تکلیف کردند و من بادلایل قویه امتناع نمودم و چون دلایل موجه بود متقاعد شدند این دفعه با اینکه مسبوق باین سابقه بودند باز بدون استعلام مرا باین مقام انتخاب کردند ثالثاً معلوم است که نیابت سلطنت نباید مسئله متنازع فیه مابین پارتهای سیاسی واقع شود زیرا که این مقام مقام بی طرفی است و باید همه احزاب بی طرفی او را محترم بشمارند بعبارة اخیری انتخاب نیابت سلطنت از نقطه نظر پارتنی نباید باشد و حال آنکه برخلاف این قاعده رفتار شده پارتهای برضد یکدیگر ایستاده و رأی دادند.

رابعاً — یکی از حیثیات نیابت سلطنت ریاست قوه اجرائیه است و در انتخاب او اگر قوه مجریه با مجلس شورای ملی مشارکت نمی کند لاقلاً مخالفت نیز نباید بکند این نکته هم مثل سایر نکات تماماً برخلاف واقع شده یک نکته معنوی هم در اینجا هست و باید ملتفت بود که نیابت سلطنت وقتی که با اکثریت قلبی انتخاب شود در انظار اهمیت این مقام را کم می کند و در اینجا بواسطه اینکه قانون مخصوصی در ترتیب انتخاب نیابت سلطنت وضع نشده فقط بقانون معمول عمل شده ولی باید دانست که در این مسئله همه اکتفا بصورت ظاهر در آتیه ابداً کافی و صلاح نخواهد بود و باید قانونی برای استحکام نظایر این موقع در آتیه وضع شود.

بعد از آنکه تلگراف اعلام این انتخاب در خارجه بمن رسید و از کیفیت آن مطلع شدم چنانکه طبعی است حیرت بزرگی بمن دست داد زیرا که از آنجا دعوت مجلس شورای ملی و دعوت ملت را بدون توضیحات رد کردن البته جایز نیست ناگزیر برای توضیح این مطلب تلگرافهای مشروحه عدیده نموده خواهش کردم که جمعی از رؤساء احزاب چه در داخل و چه در خارج مجلس منعقد کرده در این نکات مهمه با ملاحظه صلاح مملکت و صلاحیت سابقه که در این موقع گذاشته میشود تجدید نظر نمایند باین تلگرافها هم ابداً جواب کافی نرسیده.

عجب اینکه در مجمعی که تمام نمایندگان محترم حضور داشتند این مطالب را بیان کردم اغلب اظهار بی اطلاعی از وصول این تلگرافات میکردند بالاخره مجبور شده تلگراف کردم که چون توضیح این مطالب بوسیله تلگراف ممکن نمیشود جواب

کافی هم بتلگرافات من نرسید برای اینکه نسبت قصور بمن داده نشود مصمم بآمدن شده و مذاکره این مطالب را حضوراً خواهم کرد مشروط بر اینکه بعد از مذاکرات و ملاحظاتی مصالح مملکت در رد و قبول این مقام مختار و آزاد باشم باین تلگراف هم جوابی کافی نرسید لهذا با حیرت تمام عازم شدم و در این بین چه وجه در روزنامهجات خارجه نسبت ترس و تردید بمن داده تعبیرات مختلف هم کردند مراسلات تهدید آمیز هم بطوری که همه میدانید در فرنگ بمن رسید ولی علت تأخیر در آمدن من نه تردید بوده و نه ترس بلکه امتداد این مذاکرات و حیرت نرسیدن جواب کافی اسباب تأخیر حرکت مرا فراهم میداشت و با وجود اینکه اسم من باین مقام نامزد شده بود از هیئت وزراء یک جواب صریح بسئوال تلگرافی من داده نمیشد هر چند اظهار مساعدت و محبت تمام وزراء عظام و نمایندگان گرام و تلگرافی که با مضامین تمام نمایندگان در آنجا بمن رسیده و دوستی ثابتی که همه وقت حاصل بود جبران این قصور را کاملاً نسبت بشخص من نمود ولی نسبت بمصالح مملکت شک نیست که اینطور سابقه مضره باید از دفتر مشروطیت محو شود.

بعد از ورود باینجا هم با وجود اینکه در مجمعی که تمام نمایندگان محترم شرف حضور داشتند این بیانات را نموده ام بدبختانه در تدقیق نکات مذکوره مجال اقدام نشده بملایه با اینکه استعفای وزرای سابق را قبول نکردم از کارکناره نموده مرا از روز ورود دچار اشکال بزرگ بحران کابینه وزراء کردند و برای اینکه این مذاکرات اسباب طول بحران و اختلال امور مملکت نشود لابد بدون انتظار مذاکرات امروز در این جا برای ادای مراسم قانونی حاضر شده ام.

مسئله مهم دیگر که باید بیان کنم این است چون می بینم اهالی چه در طهران و چه در ولایات انتظام امور مملکت را از شخص من انتظار و توقع دارند علاوه بر اینکه این انتظارات هیچ دلیل و موقمی ندارد مخالف با قانون اساسی هم هست که اختیاری سلطنت نداده است لازم می دانم این اشتباه را رفع نمایم و البته اگر سکوت کنم نسبت اغفال بمن داده خواهد شد و بعداگر خدای نکرده انتظارات آنها حاصل نشود تصور خواهند کرد که در مصالح مملکت از طرف من غفلت شده و حال آنکه آن مصالح را قانون بمن سپرده حالا که برای اجرای مراسم قانونی حاضر شده ام لازم است اولاً بدانم که چه انتظاری از من هست و ثانیاً عرض کنم که من چه انتظاری از شما دارم تا شبهه برای احدی باقی نماند.

اما انتظاری که از من هست گویا مدلول قوانین اساسی برای این مسئله کافی باشد.

نمایندگان محترم بهتر از من میدانند و این توضیح فقط برای اطلاع عموم است بموجب اصل ۱۶ وضع قوانین مملکتی حق مجلس شورای ملی یا مجلسین است.

معلوم است قوانین تقریباً یعنی قواعدی که

روابط افراد ملت را با یکدیگر و مناسبات آنها را با هیئت دولت مقرر می دارد موافق اصل ۹ قوانینی که در مجلس گذشت باید با مضای سلطنت و با اجرا برسد یعنی بسط سلطنت حق توقیف یا رد آنها داده نشده است مطابق اصل ۴ وزراء مسئول مجلس هستند.

بر اصل ۶۷ وزراء با اظهار عدم اعتماد مجلس حتماً معزول میشوند.

این اصول را که در نظر بگیریم خواهیم دید که هر چند بر حسب ظاهر قانون تعیین رئیس الوزرائی از حقوق سلطنت است ولی نظر باینکه مسئولیت وزراء بمجلس است و با عدم اعتماد اکثریت معزول میشوند برای احتراز از عدم اعتماد مجلس و احتراز از ظهور بحرانهای متواتر که اسباب اختلال امور مملکت میشود در تمام ممالک مشروطه از رسومات و عمارات جاریه است که سلطنت مشروطه قبلاً نظر اکثریت مجلس را در اعتماد بر رئیس الوزراء بتوسط رئیس مجلس استنباط نموده بعد از تحصیل اطمینان رسماً او را معین و معرفی بنماید.

اختیار انتخاب وزراء دیگر نیز بمسئولیت خاص رئیس الوزراء است که هر کس را با خود موافق و متحد المصلک بداند معرفی نماید.

پس از این استدلالات قانون اساسی بخوبی واضح میشود که قوه مقننه و قوه مجریه که با هم قدرت مملکت را تشکیل می دهند هر دو از اختیار سلطنت خارجند.

قوه قضائیه هم که بطریق اولی مربوط بسط سلطنت نیست.

بنابراین تمام اختیار و مسئولیت امور مملکتی معناً و صورتاً با مجلس شورای ملی یا مجلسین و هیئت وزراء است فقط آنچه برای سلطنت باقی می ماند اظهار رأی در کلیات مصالح مملکت است آنهم نه بطور حکم بلکه بطور صلاح اندیشی و هیئت بر حسب مسئولیتی که بمجلس دارند در رد و قبول آن معتارند از طرف دیگر چون سلطنت نسبت با احزاب سیاسی باید بکلی بی طرف باشد.

این قاعده مسلم است که اظهار رأی نیز وقتی برای سلطنت میسر است که ضدیت و تقاضای مابین احزاب موجود نباشد والا از ادای این وظیفه نیز باز خواهند ماند که مبادا در عقیده خود با احدی الحزبین طرفیت حاصل نماید بنابراین حاجت اثبات نیست که همانطور که مسئولیتی برای سلطنت نیست ابداً اختیاری هم قانون باونداده است من هم که قوانین اساسی را فوق العاده محترم می شمارم مقصودم از این بیانات اعتراض و تحصیل مزید اختیار نیست فرضاً اگر مجلس شورای ملی در موقع مزید اختیار دولت را لازم نداند و البته این قبیل مواقع در پیش هست باید آن اختیار را بدست وزراء بدهند که مسئول مجلس هستند بعد از این مقدمات پوشیده نخواهد ماند عبارات قسم نامه که در قانون اساسی مندرج است با عدم اختیاری که برای سلطنت ثابت شده موافقت نمیکند کسی که ملتغی این نکات باشد البته عبارات قسم را باین نیت بزبان جاری مینماید که شخصاً بطوریکه بر تمام افراد ملت فرض است

بقدر وسع و طاقت خود در مدلول آن جدو جهد نماید و با همین نیت است که این قسم را بزبان جاری خواهم نمود و در هر حال با تمام قوای خود در راه خدمت بوطن و دولت و ملت و تقویت اساس مشروطیت کوشش خواهم داشت و اینکه بعضی عبارات قسم نامه با عدم اختیار سلطنت متناصب نیست محل اعتراض نخواهد بود زیرا که هیچ قانونی زاجز قوانین آسمانی و لولازم الاطاعه هم شد بی نقص نمی توان تصور نمود و دلیل این همان وجود مجلس شورای ملی است که وظیفه آن نه تنها وضع قوانین جدید بلکه تکمیل قوانین دم هست.

اما انتظارات من از این قرار است در صورتی که معلوم است تمام اختیار و مسؤلیت امور مملکت معناً و صورتاً با مجلس و وزراء است در حال حالیه مملکت که بر همه کس معلوم است و حاجت باظهار نیست متوقع مجلس شورای ملی و هیئت وزراء فقط نظر خود را بمصالح حالیه مملکت دوخته با جد و جهد فوق العاده و همتی بلند باموافقت و معاضدت خالصانه حقیقی بایکدیگر در اصلاح امور بکوشند و لازم نیست این فقره را خاطر نشان کنم که پس از استقرار مشروطه ثانی بانداختن مانع تاکنون بقدر انتظار و آرزوی ملت در آسایش و شادانی قلوب نتیجه شایانی از زحمات همگی حاصل نشده بواسطه اختلافات و نقاضتهای بین الاحزاب و الاشخاص بوده که آنها را بر احدی پوشیده نیست امیدوارم چنانکه خوشبختانه علامات آن روز بروز واضح و آشکار میشود از این بیعد برخلاف ما سبق این اختلافات مبدل بوفاق و معاضدت برادرانه شود و امور صورت اصلاح پذیرفته و در حصول مقاصد ملت عایقی باقی نماند و افراد ملت از نعمت آسایش و سعادت و ترقیاتی که برای ملل متدینه در تحت حکومت مشروطه و بین آزادی حقیقی حاصل است بهره مند شوند.

اما انتظار من از سایر طبقات اول از اشخاصی است که بتوانند مصدر خدمت دولتی شوند و متأسفانه از گارکناره جوئی میکنند چنانکه بر همه کس معلوم است قبل از زمان مشروطیت اشخاص باشوق و ولع برای تحصیل مشاغل دولتی و امتیازات و اعتبارات صورتی سعی بودند و حالا از قبول خدمت احتراز میجویند و حال آنکه امروز مملکت بیشتر بخدمت ابناء خود محتاج است و واقف خدمت امروز عالم انسانیت افتخار حقیقی دارد.

اما انتظار از افراد ملت این است که باید بدانند مجلس مرکب از وکلای ملت است که خودشان انتخاب کرده اند و مجلس باید آینه افکار و مظهر احتیاجات آنها باشد و هیئت دولت نیز از روی قوانینی که وضع میشود در تحت نظارت خود مجلس متصدی امور می گردد بنا بر این اطاعت احکام دولت را باید با یک شغف و انقیاد قلبی بر خود فرض بدانند و قولا عملا هر کس بقدر قوه خود مقوی اجرای اوامر دولت باشد و درست ملتقت شوند که در سابق ملت ایران حکومت بوده و احکام جبراً بر آنها جاری میشد و در مشروطه حکومت منسوب بخود ملت است و باید بطیب خاطر موافق قانون مطیع احکام حکومت خود باشد و مخصوصاً کسانی را که قولا یا عملاً

مانع اجرای اوامر دولت میشوند دشمن ملت بشمارند اگر هم عاصی در مملکت پیدا شود باید بدانند که امروز قوت دولت قوت تمام ملت است و در مقابل آن مقاومت نمی توان کرد.

در آخر کلام خود اظهار میدارم که تمام امیدواری و قوت روحانی من بهمراهی و معاضدت همه شما در اصلاح امور مملکت است و باین امید خود را دلخوش میدارم خلاف آن را فرض هم نمی کنم ولی برای اینکه حرفی گفته نشده نماند مجبورم که این نکته را هم بیان کنم چنانچه در یادداشت خود راجع بمعنی احزاب سیاسی بیان کرده ام و در مجلس قرائت شده اگر خدای نکرده از اختلافاتی که تاکنون صورت نقاضت و دشمنی پیدا کرده بود مجدداً علامتی ظاهر شود و به بینیم امور پیشرفت نمیکند یا خدای نکرده بر اختلال امور میافزاید بدوجب همین قسم که یاد خواهم کرد ضمیر من بلکه ضمیر هر صاحب وجدانی حکم و تصدیق خواهد نمود که نباید در این مقام نشسته شاید همچو حال ناگواری باشم یقین است افراد ملت که صاحبان وجدان پاک هستند این مطلب را قلباً تصدیق کرده در چنان موقعی که امیدوارم پیش بیاید بامن همراه وهم عقیده بوده برکناره جوئی من خورده نخواهند گرفت زیرا که بر تکلیف شرعی و عقلی خود و صلاح مملکت عمل کرده ام و امیدوارم این جلب نظر بمعایب امور مورد اعتراض احدی نشود زیرا که اصلاح بر نکات مهمه مملکتی در داخله لازم و اسباب خوشوقتی است که از افراد پرده پوشی نشده در خارجه هم که عقلا هستند هر قدر به بینند بمعایب امور ملتقت هستیم بیشتر امیدوار خواهند بود که در صدد اصلاحات خواهیم بر آمد و بالعکس اگر پرده پوشی کنیم تعجب خواهند داشت که چگونه با قبول حکومت ملی امور را از ملت مکتوم می داریم.

و اینموقع را مغتنم شمرده نکته مهمی را که مستلزم صلاح عموم و وسیله حصول تمام آمال ملت است مرکز انهان و قلوب میدارم در مملکت مشروطه معارف ملت بدست خودش است و کلیه این سعادت حق انتخاب و کیل است که با شرایط قانونی بملت داده شده باید همه افراد بدانند وضع قوانینی که اسباب آسایش و نظم و معاش و سعادت است و نیز نظارت اجرای آن قوانین بدست همان وکلای ملت است که باید خود ملت در سوقع انتخاب تعیین کنند پس اگر فرضاً امری برخلاف آرزوی ملت جاری شود تقصیر و ملامت آن بر افراد ملت واقع خواهد شد که چرا در موقع انتخاب حاضر نشده یا در انتخاب وکیل دقت نکرده اند و علاج بالانحصار این است که دارندگان انتخاب حق انتخاب بی مسخه و بالاتفاق در موقع تعیین و کلا حاضر شده اشخاص را که قبل از وقت بعد از مراقبت و دقت تمام موافق میل و مذاق خود در نظر گرفته و مطمئن هستند که آن اشخاص صفت دانش و امانت دارند میتوانند نماینده افکار و احتیاجات و مصالح ملت واقع شود برای وکالت خود انتخاب نمایند در این صورت قطع حاصل است که مجلس شورای ملی آینه و مظهر حقیقی افکار و احتیاجات و مصالح ملت واقع شده امری برخلاف آرزوی ملت جاری نخواهد شد و من در خاتمه این نصیاح خیر خواهانه خود هموطنان را از حالاکه قریب ششماه بموقع انتخابات جدید مانده باین نکته دعوت می نمایم که تا موقع انتخاب از حالاهای حق انتخاب بود و بلاشبهه

بدانند که از دارندگان شرایط انتخاب هر کس در دادن رأی و ادای وظیفه خود و دقت در صلاحیت اشخاص غفلت نمایند نه تنها حق و سعادت خود را ابطال کرده بلکه بمصالح عموم و حقیقت سعادت افراد دیگر که هموطنان او هستند صدمه و خلل وارد آورده است بعد از این بیاناتی که لازم بود باطلاع ملت برسایم به همین عقاید و شرایط و نیت قلبی که توضیح شد اقدام با اجرای مراسم قانون کرده و از خداوند توفیق می خواهم و از تأییدات غیبی برای سعادت و ترقی این ملت استمداد میجویم من خداوند قادر متعال را گواه گرفته بکلام الله مجید و بآنچه نزد خدا محترم است قسم یاد میکنم تمام هم خود را مصرف حفظ استقلال ایران نموده حدود مملکت و حقوق ملت را محفوظ و محروس بدارم.

قانون اساسی مشروطیت ایران را نگهبان و بر طبق آن و قوانین مقرر سلطنت نمایم و در ترویج مذهب جعفری اثنا عشری سعی و کوشش نمایم و در تمام اعمال افعال خداوند عزشانه را حاضر و ناظر دانسته منظوری جز سعادت و عظمت دولت ایران نداشته باشم و از خداوند متعال در خدمت بترقی ایران توفیق میطلبم و از ارواح طیبه اولیای اسلام استمداد میکنم.

خلاصه برای اینکه بحران کابینه وزراء طول نکشد و امور مختل مانده بود و نظر اکثریت مجلس را هم پرسیدم باصرار تمام سپهدار اعظم قبول کردند کابینه تشکیل بکنند با همان اشکالاتی که اینجا خواندم و برای اینکه با امور خللی نرسد قرار داده ام وزرای سابق در این دوسه روزه در کلیات امور رسیدگی کنند تا در باب پروگرام و شرایط خودشان با مجلس مذاکره کرده و وزراء را معرفی نمایند.

«مجلس یکساعت و نیم از غروب آفتاب ختم گردید»

جلسه ۲۴۰

صورت مشروح مذاکرات ۳ شنبه

پنجم شهر ربیع الاول سنه ۱۳۲۹

مجلس دو ساعت و ده دقیقه قبل از غروب به ریاست آقای میرزا مرتضی قلیخان نایب رئیس تشکیل شد.

آقای معاضد الملک - صورت مجلس

یوم پنجشنبه سلخ شهر صفر و شنبه غره ربیع الاول را قرائت کردند (اصاصی غائبین جلسه پنجشنبه سلخ شهر صفر).

آقایان معاضد السلطنه - حاجی وکیل الرعایا بدون اجازه و آقایان موتمن الملک و حاج آقا و سپهدار اعظم - مشیرالدوله - آقای میرزا ابراهیم قمی با اجازه و آقای آقا شیخ محمد حسین یزدی بموقع مقرر حاضر نشدند.

نایب رئیس - در صورت مجلس ملاحظه ای هست؟

آقا میرزا ابراهیم قمی - بنده روز پنجشنبه کسالت داشتم و اجازه خواسته بودم در صورت مجلس بنده را غائب نوشته اند

معاضد الملک - غائب با اجازه نوشته شده بود التفات نفرمودید.

ادیب التجار - بنده تقاضا کرده بودم در باب کسر عده که میسوینها که در جلسه آنها انتخاب